

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۳،
صفحات ۱۶-۱

جایگاه اصول حاکم بر آیین دادرسی مدنی در شیوه نامه

هیئت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

علی صفرنژاد (نویسنده)

گروه حقوق، حقوق نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مسئول

اسما ضیائی

گروه حقوق، حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دکتر عباس کاظمی نجف

گروه حقوق، حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

آبادی

چکیده

با توجه به گسترش قراردادهای تجاری و افزایش دعاوی ناشی از اجرای آنها، توجه به شیوه‌های جایگزین حل اختلاف به‌ویژه هیئت‌های حل اختلاف قراردادی در حوزه‌هایی چون صنعت نفت، اهمیتی دوچندان یافته است. در این میان، بررسی جایگاه اصول حاکم بر آیین دادرسی مدنی همچون بی‌طرفی، حق دفاع، رسیدگی منصفانه، علنی بودن دادرسی و استقلال مرجع رسیدگی در شیوه‌نامه‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، گامی اساسی در سنجش مشروعیت و کارآمدی این شیوه‌نامه‌ها به شمار می‌رود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی میزان تطبیق شیوه‌نامه هیئت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت با اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که هرچند شیوه‌نامه مذکور در تلاش است تا با الهام از نهاد داور و دادرسی خصوصی، سازوکارهایی تخصصی و سریع برای حل اختلافات قراردادی ارائه دهد، اما در برخی موارد با چالش‌هایی در رعایت اصول دادرسی عادلانه مواجه است. به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر حق دفاع برابر، شفافیت در تعیین صلاحیت هیئت‌ها و تضمین استقلال و بی‌طرفی، نیاز به بازنگری و اصلاحات محسوس وجود دارد. تبیین جایگاه اصول دادرسی مدنی در این شیوه‌نامه، می‌تواند بستری مناسب برای تقویت مشروعیت حقوقی این نهادهای قراردادی فراهم آورد.

شیوه‌نامه حل اختلاف، وزارت نفت، آیین دادرسی مدنی، اصول دادرسی عادلانه، داور و قراردادی،

واژگان کلیدی: هیئت حل اختلاف، حق دفاع، بی‌طرفی.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 23

Pages 1-16

The Position of the Principles Governing Civil Procedure in the Procedures of the Contractual Dispute Resolution Boards of the Ministry of Oil

Ali Safarnezhad (Author)	Department of Law, Oil and Gas Law, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran
Asma Ziaye	Department of Law, Oil and Gas Law, Tehran University, Tehran, Iran
Dr. Abbas Kazemi Najafabadi	Department of Law, Private Law, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran

Abstract

Given the expansion of commercial contracts and the increase in lawsuits arising from their implementation, attention to alternative dispute resolution methods, especially contractual dispute resolution boards, in areas such as the oil industry, has become doubly important. In the meantime, examining the position of the principles governing civil procedure, such as impartiality, the right to defense, fair hearing, openness of proceedings, and independence of the hearing authority, in the procedures of the contractual dispute resolution board of the Ministry of Oil is a fundamental step in assessing the legitimacy and effectiveness of these procedures. This study uses a descriptive-analytical approach to examine the extent to which the Ministry of Oil's contractual dispute resolution board's procedure manual complies with the fundamental principles of civil procedure. The results show that although the aforementioned procedure manual is trying to provide specialized and rapid mechanisms for resolving contractual disputes, inspired by the private arbitration and litigation institution, in some cases it faces challenges in observing the principles of fair trial. Especially in areas such as the right to equal defense, transparency in determining the competence of the boards and ensuring independence and impartiality, there is a need for revision and tangible reforms. Explaining the position of the principles of civil procedure in this procedure manual can provide a suitable platform for strengthening the legal legitimacy of these contractual institutions.

Dispute Resolution Manual, Ministry of Oil, Civil Procedure, Principles of Fair Trial,
Contractual Arbitration, Dispute Resolution Board, Right to Defense, Impartiality.

Keywords:

مقدمه

در نظام حقوقی معاصر، بهره‌گیری از سازوکارهای قراردادی برای حل و فصل اختلافات، به‌ویژه در قراردادهای بزرگ و تخصصی، به امری رایج و مطلوب بدل شده است. در این میان، صنعت نفت به عنوان یکی از ارکان حیاتی اقتصاد کشور، همواره در تعامل با شرکت‌ها و پیمانکاران داخلی و خارجی، نیازمند چارچوب‌های مشخص و مؤثری برای مدیریت اختلافات بوده است. به همین منظور، وزارت نفت اقدام به تدوین و اجرای شیوه‌نامه‌هایی کرده که هیئت‌های حل اختلاف قراردادی را به عنوان مرجع حل و فصل مسائل و تعارض‌های ناشی از قراردادهای معرفی می‌کند. این شیوه‌نامه‌ها با هدف تسریع در رسیدگی، کاستن از هزینه‌های دادرسی و بهره‌گیری از تخصص فنی، جایگاه مهمی در فرآیند حقوقی و اجرایی پروژه‌های نفتی یافته‌اند. با این حال، وجود چنین شیوه‌نامه‌هایی نباید مانع از سنجش آن‌ها در چارچوب اصول مسلم حقوقی گردد. اصول حاکم بر آیین دادرسی مدنی از جمله مهم‌ترین معیارهایی هستند که هر مرجع رسیدگی، اعم از دادگاه، داور یا هیئت حل اختلاف باید در فرآیند تصمیم‌گیری و رسیدگی به آن‌ها پایبند باشد. این اصول نه تنها تضمین‌کننده عدالت و انصاف در رسیدگی هستند، بلکه از بروز تعارض با قواعد آمره نظام حقوقی نیز جلوگیری می‌کنند. شیوه‌نامه حل اختلاف وزارت نفت، هرچند واجد کارکرد اجرایی و تخصصی است، اما باید در پرتو همین اصول سنجیده شود تا از مشروعیت و مقبولیت حقوقی لازم برخوردار باشد.

در واقع، نسبت میان مقررات مندرج در شیوه‌نامه‌های حل اختلاف قراردادی با اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی، موضوعی است که آثار حقوقی گسترده‌ای در پی دارد. چنانچه

این شیوه‌نامه‌ها با اصولی نظیر استقلال مرجع، بی‌طرفی، رعایت حق دفاع و امکان ارائه دلیل سازگار نباشند، ممکن است موجبات خدشه در اعتبار تصمیمات هیئت‌ها و حتی نقض آن‌ها در مراجع قضایی را فراهم آورند. بنابراین، ارزیابی دقیق این شیوه‌نامه‌ها از منظر اصول دادرسی، ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. بررسی حقوقی جایگاه اصول دادرسی مدنی در شیوه‌نامه هیئت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، می‌تواند به تبیین نقاط قوت و ضعف این نظام رسیدگی بینجامد و زمینه را برای اصلاحات مؤثر و تطبیق بیشتر با استانداردهای دادرسی عادلانه فراهم سازد. چنین تحلیلی نه تنها از حیث نظری، بلکه در سطح عملی نیز برای دست‌اندرکاران قراردادهای نفتی و مراجع حل اختلاف اهمیت فراوان دارد، چرا که اطمینان از عدالت رسیدگی، یکی از پایه‌های اساسی اعتماد به نظام حقوقی و قراردادی است.

۱- تاریخچه شیوه نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت

با گسترش فعالیت‌های اجرایی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، وزارت نفت به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای طرف قرارداد در طرح‌های عمرانی و صنعتی، با حجم گسترده‌ای از اختلافات ناشی از اجرای قراردادهای مواجه شد. در واکنش به این واقعیت عملی، نیاز به طراحی یک سازوکار حقوقی منسجم، تخصص‌محور و متناسب با ماهیت فنی قراردادهای این حوزه به شدت احساس شد. پیش از این، رسیدگی به این اختلافات عموماً از مسیرهای سنتی همچون مراجعه به دادگاه‌های عمومی یا ارجاع به داوری‌های مستقل انجام می‌گرفت؛ شیوه‌هایی که نه تنها فرآیند رسیدگی را طولانی و پرهزینه می‌کردند، بلکه در

بتوان آن را به‌عنوان یک مرجع مؤثر، مشروع و قابل اتکا در حل اختلافات قراردادی صنعت نفت محسوب کرد.

۲- اصول بنیادین دادرسی مدنی

۲-۱- حق دادخواهی و برخورداری از دادرسی عادلانه

حق دادخواهی و بهره‌مندی از دادرسی عادلانه دو اصل بنیادینی هستند که دستیابی به حقوق اساسی افراد در فرآیند دادرسی را مورد تضمین قرار می‌دهند. «حق دادخواهی» بیانگر این مطلب است که هر شخص باید در زمانی که حق قانونی وی مورد تضییع قرار گرفت به مرجع صالح دسترسی داشته باشد و دادخواهی کند. بر اساس اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند». همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. این حق از جمله حقوق اولیه همه افراد به شمار می‌رود تا در مواردی که حقوق و آزادی‌های آنها به نحوی در معرض تجاوز قرار گرفت، برای احیای آن امکان مراجعه به مراجع صالح قضایی را داشته باشد. مبنای وجود چنین حقی را میتوان اصل تساوی همگان در برابر قانون دانست که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را فراهم می‌آورد. بر این اساس، اعمال هرگونه تبعیض در حق دسترسی افراد به دادگاه صالح بر اساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب، قومیت و ملیت آنها مورد پذیرش نخواهد بود (مافی و غمیلویی، ۱۳۹۸: ص ۲۷۸).

ایضاً اینکه، حق دادخواهی یکی از حقوق بنیادین هر فرد در نظام‌های حقوقی مدرن است که در اصل ۳۴ قانون اساسی

بسیاری موارد فاقد آشنایی لازم با ماهیت فنی و قراردادی خاص پروژه‌های نفتی بودند. در همین راستا، وزارت نفت به‌تدریج اقدام به تهیه و تدوین «شیوه‌نامه‌های حل اختلاف قراردادی» نمود تا بر اساس آن، هیئت‌هایی با ترکیب حقوقی، فنی و اجرایی مأمور رسیدگی به اختلافات میان کارفرما، پیمانکار و مشاور شوند. اولین نسخه‌های ابتدایی این شیوه‌نامه‌ها در اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ مورد استفاده قرار گرفت که بیشتر جنبه ارشادی و داخلی داشتند و فاقد ضمانت اجرای مشخص بودند. با گذشت زمان و افزایش حجم قراردادهای بزرگ در قالب طرح‌های توسعه‌ای، لزوم انسجام‌بخشی به این رویه‌ها و تدوین مقررات الزام‌آور احساس شد (نجفی، ۱۳۹۶: ص ۴۹).

شیوه‌نامه‌های حل اختلاف از این پس در قالب پیوست حقوقی قراردادها درج شد و به‌تدریج به یک مرجع داخلی رسمی برای حل و فصل اختلافات قراردادی تبدیل گردید. این شیوه‌نامه‌ها با پیش‌بینی فرآیند رسیدگی، نحوه تشکیل هیئت، حدود صلاحیت، مدت زمان رسیدگی و ترتیب صدور رأی، ساختاری مشابه یک آیین دادرسی اختصاصی را درون نظام قراردادی وزارت نفت پدید آوردند. هدف اصلی این شیوه‌نامه‌ها، حفظ سرعت و تخصص در رسیدگی و کاهش اتکا به مراجع عمومی قضایی بود. با وجود مزایای نسبی این نهاد قراردادی، ابهاماتی از حیث انطباق با اصول آیین دادرسی مدنی، ضمانت اجرای آرای هیئت‌ها، و حدود اختیارات آنها، موجب طرح نقدهای حقوقی گردیده است. بررسی تاریخی و حقوقی سیر تدوین و اجرای این شیوه‌نامه‌ها، نشان می‌دهد که علیرغم اصلاحات صورت‌گرفته، همچنان نیاز به بازنگری و تطبیق بیشتر با موازین عام دادرسی منصفانه وجود دارد تا

بی‌طرف در فرآیند داوری است، که به ارتقای کیفیت رسیدگی‌ها و کاهش شائبه‌های جانبداری کمک می‌کند (احمدنژاد و نجفی، ۱۴۰: ص ۲۲).

همچنین، بحث صیانت از اصل ۳۴ در شیوه نامه رعایت نشده و مطابق شیوه نامه حل اختلافات قراردادی وزات نفت، هیات حل اختلاف مکلف به رعایت اصول بنیادین دادرسی و ابزارهای آیین دادرسی می‌باشند. بدون مدنظر قراردادن اینکه شیوه نامه، دو وظیفه را بر عهده هیات حل اختلاف گزارده که شامل رسیدگی به اختلاف و انتخاب شیوه حل اختلاف می‌باشد ضروری است بررسی شود که این هیات‌ها حق دادخواهی را که از مبنایی ترین اصول می‌باشد چگونه مقرر نموده و چه جایگاهی برای آن قائل شده است. طبق بند یک ماده پنج شیوه نامه ابلاغی سال ۱۳۹۳ (نسل چهارم شیوه نامه): «هرگاه یک شرکت طرف قرارداد با یک شرکت اصلی صنعت نفت یا شرکت تابعه آن، در اجرای یک قرارداد نتواند با مذاکره با کارفرمای خود به تفاهم و نتیجه برسد، می‌تواند حل مشکل خود را از هیئت حل اختلاف شرکت اصلی ذیربط درخواست کرده و به صورت کتبی از هیئت حل اختلاف تقاضای رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.» پر واضح است که این ماده با عنوان فرآیند رسیدگی به اختلافات درخصوص امکان درخواست طرف پیمانکار و به بیان بهتر به حق دادخواهی وی اشاره نموده است.

با مذاقه در مفاد این بند مشخص می‌شود که شیوه نامه، اقامه دعوا را صرفاً و تصریحاً از ناحیه شرکت پیمانکار پیش‌بینی نموده و نسبت به اقامه دعوا از ناحیه شرکت کارفرما ساکت است. هم چنین لفظ «می‌تواند» رجوع به هیات حل اختلاف از جانب وی را اختیاری تلقی می‌نماید و الزامی برای

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل تضمین می‌کند که هر شهروند حق دارد برای احقاق حق خود به مراجع صالح رجوع کند و هیچ‌کس را نمی‌توان از این حق محروم ساخت. حق دادخواهی نه تنها ناظر بر امکان مراجعه به مرجع رسیدگی‌کننده است، بلکه شامل مجموعه‌ای از اصول مانند بی‌طرفی مرجع، رعایت تشریفات دادرسی، فرصت برابر برای دفاع، و حق اعتراض به آرا نیز می‌شود. این اصول در کنار هم مفهوم دادرسی عادلانه را شکل می‌دهند که یکی از ارکان مهم حاکمیت قانون و عدالت در جامعه است (محمدی زاده، ۱۴۰۳: ص ۷۴).

در قراردادهای کلان و تخصصی مانند قراردادهای نفت و گاز، رعایت این اصول اهمیت دوچندان دارد. از آنجا که در چنین قراردادهایی معمولاً یکی از طرفین، نهاد دولتی یا عمومی است و طرف دیگر شرکت خصوصی داخلی یا خارجی، توازن طبیعی قدرت وجود ندارد. به همین دلیل، پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر و بی‌طرف برای حل اختلافات می‌تواند مانع از شکل‌گیری رویه‌های ناعادلانه شود. حق دادخواهی در این بستر، صرفاً به معنی طرح شکایت نیست، بلکه به معنای برخورداری از روندی منصفانه، شفاف و تخصصی برای رسیدگی به اختلافات است. «شیوه‌نامه حل‌وفصل اختلافات قراردادی وزارت نفت» با هدف شفاف‌سازی و نظام‌مند کردن فرآیند حل اختلاف در قراردادهای نفتی، گامی در راستای تحقق این حق اساسی برداشته است. این شیوه‌نامه با تعریف دقیق مراحل طرح دعوا، مهلت‌های قانونی، نوع مراجع رسیدگی (مانند هیأت داوری یا کارشناسی) و قواعد حاکم بر رسیدگی، در عمل بستری را برای تضمین دادرسی عادلانه فراهم می‌آورد. نکته قابل توجه در این شیوه‌نامه، توجه به ماهیت تخصصی اختلافات و لزوم بهره‌گیری از افراد آگاه و

باشد. به بیان دیگر، شورای نگهبان به عنوان پاسدار قانون اساسی در مواردی که مقنن در لوایح ارسالی خود آرا برخی مراجع غیرقضایی را قطعی و لازم الاجرا مقرر نموده است شورای نگهبان مواد مربوطه را خلاف اصل ۳۴ قانون اساسی تشخیص داده و حق مراجعه به مراجع قضایی را به عنوان یک حق عمومی برای تمامی اشخاص لحاظ نموده است.

در این خصوص شایان ذکر است، مطابق بند ۵-۴ شیوه نامه حل اختلاف مصوب ۱۴۰۰ شرط ورود هیئت حل اختلاف و اعلام پذیرش درخواست رسیدگی متقاضی منوط به اینست که بایستی رای هیئت حل اختلاف هر چه باشد له یا علیه وی باشد باید به طور کامل بپذیرد (موسسه بین‌المللی سنگ بنای حقوق احداث، ۱۴۰۲: ص ۶۲).

البته این موضوع از سوی شرکت پتروصنعت جنوب در دیوان عدالت اداری مورد اعتراض قرار گرفت و استدلال ایشان این بود که باتوجه به اینکه مرجع مزبور داوری نمی باشد. لذا مطابق بند مذکور افراد از حقوق قانونی خود در مراجعه به مراجع قضایی به استناد همین بند محروم می گردند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۰ با استدلال های زیر این شکایت را رد نمود. اولاً: مطابق جزء ۶ بند «ب» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۱، اعمال نظارت و کنترل عملکرد شرکتهای تابعه در زمینه های مالی، فنی، اداری، حقوقی، بازرگانی، پژوهشی، قراردادهای و سایر امور از جمله وظایف و اختیارات وزارت نفت است و مطابق بند ۶ ماده ۳۳ اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب سال ۱۳۹۵، بررسی و صدور مجوز عقد قراردادهای شرکت و رفع اختلافات مربوط به قراردادهای با رعایت قوانین و مقررات مربوط، از جمله وظایف و اختیارات هیات مدیره

شرکت پیمانکار ایجاد نکرده است. چنانکه در متمم شیوه نامه ارسالی در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۹ توسط وزیر نفت وقت ابلاغ شده بود در بند دوم به همین موضوع اشاره شده است و همچنین آمده که بدیهی است در صورت طرح موضوع مورد اختلاف در هیئت حل اختلاف، رعایت الزامات مفاد شیوه نامه و روش اجرایی آن برای طرفین لازم الرعایه است. باتوجه به تفاسیری که از حق دادخواهی به عنوان یکی از اصول دادرسی بیان شد، بنظر محدود نمودن ارائه درخواست به هیئت حل اختلاف جهت رسیدگی به اختلاف یا به تعبیری حق اقامه دعوا فقط نسبت به پیمانکار، مخالف حق دادخواهی است چرا که این حق را باید آیینۀ تمام نمای سایر اصول بنیادین دادرسی برشمرد. به عبارت دیگر شیوه نامه حق برخورداری از دادرسی عادلانه را با این محدودیت در مفاد خود رعایت ننموده و در مواقعی که کارفرما می خواهد نسبت به پیمانکار طرح دعوی نماید را خارج از چارچوب این اصل قرار داده است.

برای مثال در برخی آرای صادره از سوی هیئت حل اختلاف که مورد بررسی قرار گرفت مشاهده گردید که اغلب درخواست حل اختلاف توسط این هیئت ها از سوی پیمانکار مطرح گردیده است.

طبق بند ۳ ماده ۸ روش اجرایی شیوه نامه حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳: «اختلاف قراردادهایی که کارفرما اقدام به فسخ قرارداد کرده است، قابل رسیدگی در هیات های حل اختلافات قراردادی نمی باشد.» مطابق این بند حق دادخواهی برای این قراردادهای متصور نبوده پس حق دادخواهی رعایت نشده است. موضوع دیگری که درخصوص اصل حق دادخواهی می تواند مورد بررسی قرار گیرد، تضمین رعایت این اصل آیین دادرسی در صورت ارجاع اختلاف می

۲-۲- تناظری بودن و رعایت حقوق دفاعی

رعایت اصل تناظر و حقوق دفاعی از مهم‌ترین ارکان عدالت در هر نظام رسیدگی است که نقش کلیدی در تضمین دادرسی عادلانه ایفا می‌کند. اصل تناظر به این معناست که هر طرف دعوی باید فرصت برابر برای ارائه دلایل، مستندات و دفاعیات خود داشته باشد و فرآیند رسیدگی به گونه‌ای باشد که هیچ یک از طرفین بدون اطلاع و امکان پاسخگویی در معرض تصمیم‌گیری قرار نگیرند. این اصل تضمین می‌کند که رسیدگی منصفانه و متوازن باشد و هیچ یک از طرفین به دلیل عدم امکان دفاع، متضرر نشوند (نصیری، ۱۴۰۳: ص ۶۸).

در شیوه‌نامه‌های حل اختلاف، به ویژه در قراردادهای پیچیده و فنی مانند قراردادهای نفتی، رعایت تناظر و حقوق دفاعی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا مسائل فنی و حقوقی که در این حوزه مطرح می‌شود، بدون فراهم کردن زمینه کافی برای دفاع، ممکن است به تصمیماتی ناعادلانه و یک‌طرفه منجر شود. اگر هیئت حل اختلاف فرصت برابر برای طرح ادعاها و پاسخ به آنها را به هر دو طرف ندهد، نه تنها اعتبار خود را نزد طرفین از دست می‌دهد، بلکه ممکن است آرای صادره توسط مراجع بالاتر نیز رد شود. در نهایت، برای حفظ مشروعیت و اثربخشی هیئت‌های حل اختلاف، ضروری است که شیوه‌نامه‌ها به گونه‌ای تدوین و اجرا شوند که حقوق دفاعی طرفین به طور کامل رعایت شود و فرآیند رسیدگی به صورت تناظر و متوازن برگزار گردد. این امر نه تنها عدالت را تضمین می‌کند، بلکه به تقویت اعتماد در نظام حل اختلاف و کاهش دعاوی فرعی و اعتراضات بی‌مورد کمک می‌کند. رعایت این اصول، پایه و اساس هر نظام حقوقی پیشرفته و منصف است که خواسته همه طرف‌های قرارداد است.

شرکت محسوب می‌شود. ثانیاً: هیأت رسیدگی‌کننده موضوع مقرر در مورد شکایت از مصادیق مراجع اختصاصی اداری که به حکم قانون تشکیل می‌شوند، نیست و در چهارچوب ساختار وزارت نفت و مطابق ماده ۳ شیوه‌نامه مورد شکایت به اختلافات طرف‌های قرارداد با شرکت اصلی ذیربط و شرکتهای فرعی تابعه حسب مورد رسیدگی و برای حل و فصل سریع اختلافاتی که حین اجرا با طرف قرارداد ایجاد می‌شود، اتخاذ تصمیم می‌کند. ثالثاً: شروع رسیدگی در هیأت مذکور مستلزم درخواست شرکتهای طرف قرارداد است و الزام و اجباری به قبول صلاحیت و رسیدگی این هیأت وجود ندارد. بنا به مراتب فوق و با توجه به اینکه هیأت حل اختلاف موضوع مقرر در مورد اعتراض در درون ساختار وزارت نفت و با هدف حل اختلافات میان شرکتهای طرف قرارداد با وزارت نفت در حین اجرا و تسریع در فرآیند رسیدگی به اختلافات تشکیل می‌شود و از سوی دیگر متضمن محدودیت و یا ممنوعیت در اعمال حق دادخواهی و مراجعه به محاکم عمومی دادگستری نیست، بنابراین بند ۵-۳ شیوه‌نامه حل اختلاف‌های قراردادی صنعت نفت خلاف قانون و خارج از حدود اختیار نبوده و ابطال نشد.

در نهایت، می‌توان گفت شیوه‌نامه حل و فصل اختلافات وزارت نفت به عنوان مکملی بر اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه عمل می‌کند و تلاش دارد تا از طریق ضابطه‌مند کردن رویه‌های حل اختلاف، زمینه اعمال حق دادخواهی را در یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین حوزه‌های قراردادی کشور فراهم سازد. این اقدام ضمن تقویت اعتماد طرفین به نظام قراردادی، موجب افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در روابط حقوقی شده و در نهایت به تثبیت نظم حقوقی در بخش انرژی کشور می‌انجامد.

بند ۸-۲ دستورالعمل شیوه نامه مصوب ۱۴۰۰ عنوان داشته: «هیئت حل اختلاف، نماینده طرف اول و نماینده طرف دوم را برای حضور در جلسه و استماع نظرات ایشان دعوت می کند ولی عدم حضور هر یک از طرفین یا هردوی آنها در جلسه/جلسات رسیدگی مانع تشکیل جلسه و رسیدگی نیست. حضور نماینده طرف اول و نماینده طرف دوم باید با امضای آنها صورت مجلس شود. در هر صورت نیازی به حضور طرفین در جلسه تصمیم گیری هیئت حل اختلاف نیست». در صورتی که اصل تناظری بودن دادرسی را در معنای عام آن در نظر بگیریم که طرفین دعوا باید در مقابل مرجع رسیدگی کننده از برابری برخوردار باشند، بن مایه و شالوده شیوه نامه چنین اصلی را در بر نمی گیرد در ادامه دلایل این موضوع مشخص خواهد شد.

افزون بر موارد مذکور، با بررسی نمونه‌هایی از آراء صادره توسط هیأت‌های حل اختلاف مشخص گردید که در بسیاری از موارد، جلسات رسیدگی بدون حضور طرفین برگزار می‌گردد و صرفاً بر اساس لوایح و پاسخ‌هایی که طرفین برای یکدیگر ارسال می‌نمایند، تصمیم‌گیری صورت می‌پذیرد. این امر نشان می‌دهد که اصل تناظری و رعایت حقوق دفاعی طرفین، به دلیل عدم حضور آنان در فرآیند رسیدگی، در هیأت‌های حل اختلاف به نحو شایسته رعایت نمی‌شود. همچنین، این شیوه رسیدگی که بدون استماع حضوری اظهارات طرفین صورت می‌پذیرد، با اصول دادرسی عادلانه در تعارض قرار دارد. عدم امکان دفاع مؤثر، عدم امکان ارائه توضیحات شفاهی و عدم مواجهه مستقیم با دلایل و مستندات طرف مقابل، عملاً موجب تضعیف حقوق دفاعی اصحاب دعوی و مخدوش شدن اصل بی‌طرفی در رسیدگی می‌گردد.

مطابق فلسفه وجودی شیوه نامه که به دلیل پیچیدگی های پروژه های صنعت نفت مقررات گذاری شده بود، روش اجرایی شیوه نامه حل اختلافات مصوب ۱۳۹۳، گردش کار دریافت و نحوه رسیدگی به درخواست حل اختلاف توسط پیمانکار توسط دبیرخانه بدین صورت می باشد: درخواست های رسیدگی توسط طرف قرارداد به دبیرخانه ارسال می شود و پس از بررسی شکلی به لحاظ کامل بودن اسناد و مدارک، درخواست به کارفرما ارسال می شود تا اعلام نظر نماید. دبیرخانه نظر کارفرما را دریافت و پس از بررسی شکلی، دبیرخانه این نظر را به پیمانکار ارسال می نماید. سپس در هیئت طرح می شود و در صورت لزوم موضوع به کارشناس ارجاع می شود و پس از دریافت نظریه کارشناس رسیدگی با حضور دو طرف در هیئت انجام می پذیرد. طبق قسمت دوم بند ۹-۳ «رسیدگی هیئت حل اختلاف به هر مورد اختلاف با حضور نمایندگان کارفرما و طرف قرارداد، براساس قرارداد منعقد شده، مستندات دریافت شده از سوی دو طرف و با توجه به توضیحات آنها انجام می شود».

همچنین، در بند سوم نامه شماره ۲۳۴۰۵۵-۲۰/۲ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۹ از وزیر نفت وقت به معاون محترم امور حقوقی و مجلس و رئیس هیئت عالی و حل اختلافات قراردادی ابلاغ شده است: «هیئت های حل اختلاف قراردادی موظفند در جلسات رسیدگی علاوه بر دعوت از طرفین اختلاف، از نماینده انجمن مربوط به نوع فعالیت پیمانکار طرف اختلاف دعوت نمایند و پس از استماع نظرات نماینده مزبور و ختم رسیدگی با رعایت حقوق طرفین اختلاف، تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند».

۲-۳- استقلال و بی طرفی دادگاه

اصل بی طرفی و استقلال یکی از اصول مهم و اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه بعنوان یک حق بنیادین بشری است و اجرای این اصول در طول دادرسی ها و در محاکم داخلی، منطقه ای و بین المللی ضروری است. از این رو دادگاه باید نسبت به طرفین دعوا بی طرف باشد و این بی طرفی محرز و قابل مشاهده باشد. یکی از ابزارهای بارز بودن بی طرفی، علنی بودن رسیدگی است تا افراد جامعه، بی طرف بودن دادگاه را مشاهده و اطمینان داشته باشند دادگاه حق تضییع شده آنان را باز پس می گیرد و احقاق حق می نماید. همچنین، این دومفهوم بی طرفی و استقلال علی رغم اینکه همراه یکدیگر به کار می روند دارای مفاهیم متفاوتی هستند. بی طرفی مفهومی عام تر از استقلال دارد و استقلال یکی از لوازم اعمال بی طرفی است و بدین معنا نیست که اگرچه استقلال لازم است اما برای اعمال بی طرفی کافی نیست و همچنین که دادگاهی که مستقل است حتماً و لزوماً بی طرف نیست، اگرچه استقلال برای یک دادرسی عادلانه و منصفانه لازم و ضروری است اما کافی نیست و باید قاضی در طول رسیدگی پرونده بی طرف بوده و از جانبداری و پیش داوری خودداری کند (ستایش پور و سیفی پور، ۱۴۰۱: ص ۸۷).

در شیوه نامه حل اختلافات قراردادی این اصل مورد توجه قرار گرفته است و نسبت به رسیدگی بی طرفانه در این شیوه نامه مقررات گذاری شده است. در بند ۵-۴ ماده ۵ مصوب ۱۳۹۳ مقرر شده: «هیئت حل اختلاف موظف است به درخواست های واصله بی طرفانه رسیدگی کند. بنابراین اعضای هیئت در موارد شمول ماده ۹۱ ق.آ.م.د در امور مدنی

صالح به رسیدگی و اظهار نظر در موضوع اختلافی نبوده و باید جای خود را به اعضای علی البدل متناظر بدهند.» واضح است با استناد ماده ۹۱ در متن شیوه نامه جایگاه بی طرفانه بودن دادرسی و هیئت رسیدگی کننده به اختلاف مورد تایید وزارت نفت بوده و لزوم رعایت این اصل را ضروری تشخیص داده است. لیکن برای بررسی اصل استقلال اول باید ترکیب هیئت های حل اختلاف را مورد مطالعه قرار دهیم. ماده ۲ شیوه نامه مصوب ۱۳۹۳ اعضای هیئت حل اختلاف را بدین صورت مقرر نموده: «شامل سه نفر: (۱) کارشناس حقوقی (۲) کارشناس مالی (۳) مدیر یا کارشناس ارشد فنی که منتخب هیئت مدیره شرکت های اصلی که به هیات عالی نظارت معرفی و پس از تایید صلاحیت، احکام شان صادر می شود.» همچنین، طبق ماده ۷ اعضای هیئت عالی نظارت به شرح ذیل می باشد: «الف) معاون امور حقوقی و مجلس وزارت نفت به عنوان رئیس هیئت ب) نماینده معاون امور مهندسی وزیر ج) سه نفر مدیر و کارشناس برجسته در امور مالی، قراردادهای و مدیریت پروژه که توسط وزیر منصوب می شوند.»

طبق مواد فوق الذکر که در شیوه نامه به شرکت های اصلی ابلاغ گردیده است و نحوه انتخاب اعضای هیئت های حل اختلافات قراردادی، استقلال دادرسان مورد تردید جدی قرار می گیرد. چرا که این هیئت ها وظیفه رسیدگی به اختلاف میان کارفرما و پیمانکار را دارد حال آنکه، خودشان منتخب کارفرما می باشند؛ بنابراین بیم آنکه نحوه رسیدگی و تصمیم گیری نهایی با نفوذ و یا حتی دیکته نمودن کارفرما باشد وجود دارد.

در شیوه نامه حل اختلافات قراردادی کفه ترازو در حمایت از کارفرما سنگینی می نماید، با وجود ترکیب هیات های حل

اختلافات و هیات های عالی حل اختلافات قراردادی که متشکل از اعضای درون سازمانی و مورد تایید هیات مدیره وزارت نفت می باشد و نیز سازکار تحمیلی تمکین به رای هیات های حل اختلافات برای پیمانکار، رعایت اصل استقلال و بی طرفی در این روش حل اختلافی جایی ندارد چرا که اولین گام دراستقلال، عدم وابستگی و حمایت سازمان از ارگان رسیدگی کننده به نزاع می باشد. درجایی که سازمانی که وظیفه حل اختلافی را بهعهده گرفته است، در صدد باشد تا آیین و روش یک جانبه خود را از طریق اعضای منتخب خود سازمان اعمال کند، استقلال محلی از اعراب ندارد.

۳- اصل تشریفاتی بودن دادرسی

منظور از تشریفات دادرسی تشریفاتی هستند که مقام قضایی باید در جریان اداره جلسه رسیدگی به آنها توجه نماید. همچنین، اصول دادرسی را باید متمایز از تشریفات دادرسی دانست. اعمال تشریفات خاص رسیدگی به دعاوی نیز خود از اصول دادرسی مدنی قلمداد می شود. مقصود از تشریفاتی بودن دادرسی آن است که عملکرد کلیه افراد دخیل در دادرسی از دادرس گرفته تا اصحاب دعوا و وکلای آنان باید مطابق با فرم و نظم خاصی که قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی مقرر کرده است، انجام گیرد. اصل تشریفاتی بودن دادرسی از آن دسته اصولی است که بیش از آن که با هدف تضمین حقوق اساسی اصحاب دعوا و تحقق عدالت و انصاف در دادرسی به وجود آمده باشد، با هدف سازمان دهی و انتظام بخشی به دعاوی و نیز جلوگیری از خودسری و هرج و مرج در دادرسی به وجود آمده است (مافی و غمیلویی، ۱۳۹۸: ص ۲۸۵).

در چارچوب قراردادهای کلان نفتی که میان شرکت های خصوصی و نهادهای تابعه وزارت نفت منعقد می گردد، معمولاً به جای رجوع مستقیم به دادگاه های عمومی، از نهادهایی مانند هیات های حل اختلاف و داوری داخلی بهره گرفته می شود. شیوه نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت، که به منظور نظام مند ساختن این فرآیندها تدوین شده، نیز در همین راستا عمل می کند. اگرچه این شیوه نامه بر مبنای اصل تراضی و اقتضائات تخصصی حوزه نفت طراحی شده است، اما نباید از اصل تشریفاتی بودن دادرسی عدول کند. به بیان دیگر، هرچند شیوه نامه می تواند فرآیند رسیدگی را از مسیرهای جایگزین دادرسی رسمی پیگیری کند، اما این روند نیز باید دارای تشریفات حداقلی منطبق بر اصول دادرسی عادلانه باشد. مواردی نظیر لزوم ابلاغ صحیح، رعایت فرصت دفاع، برخورداری از هیات بی طرف و متخصص، و امکان اعتراض به تصمیمات، همگی از مظاهر تحقق اصل تشریفاتی بودن در یک نظام داوری یا رسیدگی قراردادی هستند.

لذا، در دستورالعمل حل اختلاف قراردادی سال ۱۳۹۰ تغییرات معناداری اتفاق افتاده است که با پررنگ ساختن تشریفات دادرسی و تشکیلاتی و اداری کردن هیات های حل اختلاف و البته تا حدودی فاصله گرفتن از اصول دادرسی همراه بوده است. از سال ۹۱ تا سال ۹۳ که آخرین شیوه نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت منتشر گردید ما شاهد پررنگ شدن نقش اصول دادرسی در شیوه نامه مذکور شدیم.

برای درک بهتر تشریفات منحصر بفرد شیوه نامه حل اختلافات قراردادی تلاش شده است تا روند رسیدگی در مواد شیوه نامه و روش اجرایی شیوه نامه در ادامه بیان شود:

در صورت حدوث اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مفاد قرارداد بین طرفین پیمان و عدم حل اختلافات از طریق مذاکره، هریک از دوطرف می‌توانند ارجاع موضوع اختلاف به هیئت حل اختلاف را از مدیرعامل شرکت اصلی درخواست نمایند. مدیرعامل حداکثر ظرف دو هفته دستور رسیدگی را به هیئت صادر می‌نماید. هیئت‌ها بدون دستور مدیرعامل امکان ورود به رسیدگی نخواهند داشت. هیئت عالی نظارت می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در هیئت حل اختلاف راسا و یا بنا به درخواست هریک از طرفین اختلاف و به تشخیص خود ادامه رسیدگی در هیئت را متوقف و نظراصلاحی خود را جهت اعمال به هیئت مربوطه اعلام و یا پرونده را جهت ادامه رسیدگی به هیئت هم عرض ارجاع نماید (دستورالعمل حل اختلافات قراردادی، شماره ۴۵-۴۵۷۰-۲۸/۱-۱۳۹۰/۱۲/۹).

جلسات هیئت حل اختلاف با حضور تمامی اعضا رسمیت یافته و با اکثریت آرا تصمیم‌گیری می‌شود و هیئت‌های حل اختلاف در تمام مراحل بنا به نظر رئیس هیات و تصویب مدیرعامل می‌توانند عنداللزوم از کارشناسان رشته‌های مختلف از جمله حقوقی، قراردادی، فنی، مالی و بازرسی به عنوان مشاور استفاده نمایند. کلیه هیئت‌ها و شرکت‌های تابعه ملزم به ارائه هرگونه اطلاعات و نتایجی در مورد حل اختلاف قراردادهای خود به هیئت عالی نظارت می‌باشند.

دبیرخانه هیئت حل اختلاف، پس از دریافت هر درخواست رسیدگی، باید آن را از نظر کامل بودن اطلاعات و مدارک مورد نیاز طبق فهرست واریسی، بصورت شکلی رسیدگی نمایند و در صورت وجود نقص در اطلاعات و مدارک، تکمیل نواقص را به متقاضی اعلام دارد. دبیرخانه، درخواست‌های رسیدگی را که کامل باشد، برای اعلام نظر کارفرما ارسال می‌کند و پس

طبق شیوه‌نامه‌ی حل اختلافات قراردادی، طرف قرارداد هنگامی می‌تواند از هیات‌های حل اختلافات درخواست رسیدگی کند که پیش‌تر مورد اختلاف را با کارفرما مطرح کرده باشد لیکن علی‌رغم طرح از طریق مذاکره به نتیجه نرسیده باشد و در مدت ده روز از اعلام کتبی موضوع به کارفرما، پاسخ دریافت نکرده و یا پاسخ دریافت شده مورد قبول او نباشد. متقاضی رسیدگی یا طرف قرارداد باید درخواست خود را طبق کاربرگ مشخص شده به همراه مستندات تهیه نماید و به همراه تعهد پذیرش رای هیئت و مستنداتی که مبنای ادعا و درخواست رسیدگی او است، در دو نسخه به دبیرخانه هیات حل اختلاف ارسال کند. رسیدگی تنها به موارد درج شده در درخواست رسیدگی انجام می‌شود.

درخواست رسیدگی، تعهد پذیرش رای هیئت و تمام ضامین درخواست باید از سوی دارندگان امضای مجاز طرف قرارداد مهر و امضا شود. اختلاف قراردادهایی که کارفرما اقدام به فسخ قرارداد کرده است، قابل رسیدگی در هیئت‌های حل اختلاف نیست. در صورت تشکیل بیش از یک هیئت حل اختلاف در هریک از شرکت‌های اصلی، ترتیب ارجاع درخواست‌های رسیدگی به این هیئت‌ها، به صورت نوبتی و به ترتیب تاریخ دریافت درخواست‌ها از سوی دبیرخانه، انجام خواهد پذیرفت. قبل از آغاز رسیدگی به اختلافات در هیئت‌های حل اختلاف لازم است طرفین به موجب قرارداد/موافقت‌نامه جداگانه‌ای با مدنظر قرار دادن میزان مطالبات، مبالغ مربوط به کسور حسن انجام کار یا تعهدات قراردادی اصلی و یا انواع دیگر تضمین‌ها، ضمن پذیرش و اعلام نتیجه نهایی حاصله از رسیدگی، تضمین لازم را در جهت پایبندی و اجرای آرای نهایی هیئت ارائه نمایند. اینگونه تضمینات بنا به درخواست رئیس هیات و تصویب دبیرکل خواهد بود.

۴- صدور رای مستدل و مستند

رای مستدل رأیی است که دادرس و داور عناصر و کلیه جوانب عمل و واقعه حقوقی را شناسایی، تحلیل و توصیف نماید و با تسلط بر همه جوانب موضوع آن را بر قواعد و مستندات قانونی تطبیق و نهایتاً تصمیم‌گیری نماید. منظور از مستند بودن رأی دادگاه اینکه چه قانون و ماده قانونی یا قاعده فقهی و حقوقی بر مسئله قابل اعمال است. موجه بودن با مستدل بودن رأی مفهومی نزدیک برهم دارند. همچنین، در نظام حقوقی ایران نیز اصولی از قانون اساسی و موادی از قوانین عادی بر لزوم توجه قضات به این موضوع اشاره کرده است. اگرچه بندهای الف و ج ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی، عدم صدور رأی مستدل و مستند را از موارد نقض می‌داند (نیک‌نژاد و حیدری، ۱۴۰۰: ص ۱۸۲).

از آنجایی که شیوه نامه حل اختلافات قراردادی به انضمام دستورالعمل و آیین نامه های اجرایی مصوب از ساز و کار ویژه و متناسب با صنعت پیچیده ی نفت و گاز برخوردار است، سعی در تسهیل حل اختلافات قراردادی در این صنعت دارد. با بررسی مقررات حاکم بر این روش از حل و فصل اختلاف درخصوص مستند و مستدل بودن ذکر نکاتی لازم است؛ اول اینکه از ماهیت شیوه نامه پیداست که مختص اختلافات قراردادی است و می‌توان استنباط نمود که نحوه رسیدگی به اختلافات مبنای قراردادی داشته و قاعدتاً در چارچوب قرارداد با اصول و قواعد حقوقی، فنی یا مالی به دعاوی فیصله داده خواهد شد. به عبارت دیگر نظر به اینکه هیئت های حل اختلاف قراردادی درصدد انطباق موضوع و حکم با مواد قانونی نیستند پس اصل مستند بودن در آرای این هیئت ها قابل تصور نمی باشد.

از دریافت نظریه کارفرما، نظر کارفرما را نسبت به ادعای مطروحه، برای طرف قرارداد ارسال و پس از دریافت پاسخ طرف قرارداد، رسیدگی به درخواست طرف قرارداد را با توجه به برنامه کاری هیئت، در دستور کار هیئت قرار می دهد. هرگاه در مدت هفت روز از دریافت هراعلامیه دبیرخانه، درمورد تکمیل اطلاعات و مدارک و یا اعلام نظر، پاسخی از سوی طرف قرارداد دریافت نگردد، درخواست متقاضی بایگانی می شود (دستورالعمل حل اختلافات قراردادی، شماره ۴۵۷۰۴۵-۲۸/۱، ۱۳۹۰/۱۲/۹).

سعی شد در مطالب ذکر شده در بالا مختصری از آیین دادرسی هیئت های حل اختلاف رسیدگی بیان شود، چنین بنظر می آید که فلسفه تشریفات دادرسی نه به طور کامل بلکه تاحدودی رعایت گردیده است. چرا که غرض از تشریفات دادرسی عدم اعمال سلیقه و قانون مدار بودن تمام مراحل جهت رسیدگی به یک دعوا می باشد. در شیوه نامه حل اختلافات قراردادی در برخی مواد آیین نامه اجرایی مقرر شده که تصمیم گیری در برخی مسائل مانند ارجاع طرح دعوی به هیئت در اختیار مدیرعامل شرکت می باشد و یا دیگر موارد تصمیم گیری درخصوص نحوه برخورد با طرفین دعوی با رئیس هیئت حل اختلاف می باشد، بنابراین در این موارد شیوه نامه از فلسفه رعایت اصل تشریفات بودن دادرسی دور شده و اعمال نظرات شخصی در آن دخیل خواهد بود که چه بسا این موضوع به ضرر پیمانکاران صنعت می باشد. باید مدنظر قرار داد که چنین مقرراتی باعث افزایش هزینه های کارفرما می باشد چرا که پیمانکار در هنگام شرکت در مناقصه یا در مرحله مذاکره انعقاد قرارداد چنین ریسک هایی را در مبلغ قرارداد پیش بینی می نماید و مبلغ بالاتری اعلام می نماید.

نتیجتاً اینکه از نظر نگارنده، با بررسی برخی از آراء صادره از سوی هیأت‌های حل اختلاف، به‌وضوح مشاهده می‌شود که در مواردی نظیر اختلافات ناشی از صورت‌وضعیت‌های پیمانکاران، نوسانات نرخ ارز و سایر مسائل مرتبط با اجرای قراردادهای پیمانکاری، آراء صادره به‌صورت مستند و مستدل تنظیم گردیده‌اند. در این آراء، تحلیل‌های قیمتی و ریزبرآوردها به‌تفصیل مورد اشاره قرار گرفته و مستند به بندهای صریح قرارداد، مبنای صدور رأی قرار گرفته‌اند. همچنین، در خصوص تأخیرات زمانی در اجرای پروژه، جداول مربوط به جرایم تأخیرات به‌عنوان یکی از مستندات فنی و قراردادی در رأی لحاظ شده و مورد استناد قرار گرفته‌اند. هیأت‌های رسیدگی‌کننده، به‌صورت دقیق و تفکیکی، به بررسی خواسته‌های مطروحه در هر دعوی پرداخته و نسبت به هر یک از آن‌ها با استناد به مستندات و مقررات مربوطه، رأی مقتضی صادر نموده‌اند. این رویه نشان‌دهنده اهتمام برخی هیأت‌های حل اختلاف در رعایت اصول دادرسی منصفانه، از جمله اصل رسیدگی مستدل و توجه به مفاد قراردادی و اسناد فنی، می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه هیأت‌های حل اختلاف وزارت نفت بر اساس قراردادهای خاص میان دستگاه دولتی و پیمانکاران تشکیل می‌شوند و در ظاهر تابع مقررات داخلی و توافقی هستند، اما در عمل به‌عنوان مراجعی عمل می‌کنند که نقش حل‌وفصل اختلافات را بر عهده دارند. این نقش، آن‌ها را به مراجع شبه‌قضایی تبدیل کرده است؛ بنابراین انتظار می‌رود که در رسیدگی‌های خود، به اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی پایبند باشند، هرچند الزام قانونی مستقیم به

ایضاً، با توجه به اینکه قراردادهای نفت و گاز جزء قراردادهای با ریسک بالا و بلند مدت می‌باشند، در صورت بروز اختلاف اگر قرار باشد اختلاف به رسیدگی قضایی و شبه قضایی (داوری) ارجاع شود ممکن است باعث ایراد خسارت‌های گزافی به دو طرف قرارداد شود. در این پروژه‌ها، به‌علت طولانی‌بودن مدت‌زمان آنها و پیچیده و چند بعدی بودن ذاتی این قراردادها، پیش‌بینی کلیه احتمالات و شرایط و توافق بر سر این احتمالات بسیار سخت و حتی می‌توان گفت ناممکن است. در پروژه‌های عظیم و قراردادهای چندوجهی، طرفین نمی‌توانند کلیه‌ی فروض را بررسی کنند. همچنین نمی‌توانند درمورد آنها توافق کنند و به‌صورت شروط ضمن عقد در قرارداد بیاورند که این امر باعث اتلاف وقت، انرژی طرفین و سنگین شدن حجم قرارداد می‌شود و مشکلات عدیده‌ای را به همراه می‌آورد.

در خصوص مستدل بودن شیوه نامه، بدیهی است نظر به اینکه در آیین نامه اجرایی نیز به ارجاع امر به کارشناسی اشاره شده است بنابراین آرای اصداری از هیئت حل اختلاف قراردادی دارای استدلال بوده و نسبت به محق بودن کارفرما یا پیمانکار اتخاذ تصمیم می‌نماید. در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت موارد شکلی و گاهی ماهوی هیئت عالی حل اختلاف نسبت به مواردی که در هیئت رعایت نگردیده است رسیدگی و اعلام نظر می‌نماید. هم‌چنین، لازم به ذکر ساز و کار ویژه و غیرقضایی که شیوه نامه دارد با روش‌های درون سازمانی سعی در مستند نمودن آراء صادره از طریق استناد به مواد شیوه نامه یا استعلام از دستگاه‌های مربوطه دارند تا بتوانند آرای و مستند و مستدل صادر نمایند که قدرت اجرایی برای طرف مقابل داشته باشد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

کتابها

- موسسه بین‌المللی سنگ بنای حقوق احداث (۱۴۰۲)، شیوه‌نامه‌های حل اختلاف قراردادی، انتشارات نشر دادگستر
- احمدنژاد، منصور؛ نجفی، فائزه (۱۴۰۱)، درآمدی بر ماهیت و فرآیند رسیدگی هیات‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۲۰۰، صص ۳۰-۲
- ستایش‌پور، محمد؛ سیفی‌پور، راضیه (۱۴۰۱)، استقلال و بی‌طرفی قضات در حقوق بین‌الملل موضوعه، فصلنامه علمی آراء، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص ۹۰-۷۴
- مافی، همایون؛ غمیلویی، محمد (۱۳۹۸)، مفهوم و ضمانت اجرای اصول دادرسی در آیین دادرسی مدنی، فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۳، صص ۲۹۳-۲۶۷
- محمدی زاده، امین (۱۴۰۳)، بررسی اصول اخلاقی حاکم بر دادرسی عادلانه، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۲، صص ۷۷-۶۹
- نجفی، فائزه (۱۳۹۶)، ماهیت حقوقی و آیین رسیدگی هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

تبعیت از آیین دادرسی رسمی وجود نداشته باشد. اصولی مانند حق دفاع، رعایت تناظر، بی‌طرفی در رسیدگی و صدور رأی مستدل، از جمله مواردی هستند که نه فقط در محاکم قضایی، بلکه در هر نوع رسیدگی حقوقی باید مورد توجه قرار گیرند. در مواردی دیده شده که برخی هیأت‌ها به این اصول توجه کرده‌اند، مثلاً با بررسی دقیق خواسته‌ها و استناد به مفاد قرارداد یا ضمایم فنی. اما در بسیاری از آراء، نبود فرصت حضوری برای طرفین و اکتفا به تبادل لایحه، سبب شده که اصل تناظر به خوبی رعایت نشود.

این در حالی است که حتی دیوان عدالت اداری نیز در آرای خود صراحتاً تأکید کرده که این هیأت‌ها داور تلقی نمی‌شوند و ماهیت آن‌ها قراردادی و خاص است. با این حال، چون خروجی آن‌ها اثر حقوقی مستقیم دارد، نمی‌توان آن‌ها را از رعایت حداقل‌های یک دادرسی منصفانه معاف دانست. در غیر این صورت، نه تنها حقوق طرفین به درستی تأمین نمی‌شود، بلکه احتمال نقض تصمیمات آن‌ها در مراجع بالاتر نیز بالا خواهد رفت.

به بیان دیگر، خاص بودن این قراردادها، نباید به معنای رها شدن از اصول حقوقی باشد. بلکه باید ساختاری طراحی شود که ضمن حفظ انعطاف‌پذیری این هیأت‌ها، به اصول اساسی دادرسی هم احترام بگذارد. بدیهی است که اعتبار و اثرگذاری نهایی آراء صادره، در گرو اعتماد طرفین به فرآیند رسیدگی است. در پایان، به نظر می‌رسد اصلاح شیوه‌نامه‌ها و رویه‌های اجرایی این هیأت‌ها، با هدف شفاف‌سازی فرآیند رسیدگی، ایجاد فرصت برابر برای دفاع، و تقویت استدلال‌های حقوقی آراء، گامی مهم در جهت حفظ تعادل و عدالت در روابط قراردادی وزارت نفت و پیمانکاران خواهد بود.

نصیری، علی (۱۴۰۳)، نقش اصحاب دعوا و دادگاه در ارتباط با اصل تناظر و
ترافع در آیین دادرسی مدنی، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد،
دانشگاه عدالت

نیک نژاد، جواد؛ حیدری، نصرت (۱۴۰۰)، موجه، مستند و مستدل بودن رأی
دادگاه و داوری، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۱۸۶-۱۵۷

